مقـــاله تحقیقی

بررسی و تحلیل مفهوم توسعه در نظام حقوق پزشکی ایران

صادق تاری وردی[1*]، محمدحسین صادقی[2]

[1] عضو قضایی هیات انتظامی پزشکی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

[2] قاضی دادسرای دیوان عالی کشور، تهران، ایران

* نشانی نویسنده مسئول: مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران‌نشانی

نشانی الکترونیک: tariverdi2011@gmail.com

چکیده

زمینه: علم پزشکی طی سال های اخیر شاهد نوآوری ها، ابداعات و ابتکارات بی شماری بوده است. در کنار این پیشرفت، حقوق نیز به عنوان حافظ کرامت انسانی تاثیر بسزایی در سلامت جامعه و دستیابی به نتیجه مطلوب داشته است. این رشد بالا نیازمند قوانین و مقرراتی مترقی و به عبارتی این امر با تحقق توسعه حقوق پزشکی امکانپذیر است. از این‌رو با توجه به اهمیت توسعه در نظام حقوق پزشکی، هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل مفهوم توسعه ی حقوق پزشکی، مولفه‌ها و آثار ناشی از آن است.

روش کار: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و با رویکردی حقوقی- پزشکی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حقوقی صورت گرفته است.

یافته ها: یافته های این پژوهش نشان می دهد که در توسعه حقوق پزشکی سه عنصر ساختاری، ماهوی و ارزشی نقش آفرینی می نمایند که توسعه نظام حقوق پزشکی از ارتباط سه عنصر یاد شده با یکدیگر حاصل می شود.

ملاحظات اخلاقی، در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

نتیجه گیری: نتایج بررسی حکایت از آن دارد توسعه نظام حقوق پزشکی در نظام حقوقی ایران مستلزم بسط مولفه های ماهوی از طریق تصویب قانون جامع و منسجم و تقویت رویه قضایی محاکم و در بعد ارزشی با تحکیم اصول حقوق پزشکی و در حوزه ساختاری از طریق گسترش هیات های انتظامی پزشکی در قلمرو جغرافیایی و تخصصی نمودن محاکم پزشکی می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: توسعه حقوقی، نظام پزشکی، حقوق پزشکی

مقدمه

توسعه یکی از مفاهیم مهم و مطرح در عصر حاضر است. حق بر توسعه، در قالب حقوق بشر مدرن و با تلاش ویژه کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، شکل گرفته است. امروزه حق بر توسعه در چهارچوب نسل سوم حقوق بشر مطرح بوده و یک ره‌یافت حقوق بشری به توسعه انسانی است (۱).

تا چند دهه پیش توسعه، در توسعه اقتصادی خلاصه می‌شد و صرف پیشرفت در حوزه اقتصادی برای دستیابی به توسعه کافی بود، اما با گسترش روابط حاکمیت و مردم و پیچیده‌تر شدن این روابط و ظهور مفاهیمی نو در عرصه حقوقی من جمله حقوق پزشکی صاحب نظران به این نتیجه رسیدند صرف توجه به شاخصه‌های اقتصادی نمی‌تواند برای دست یابی به توسعه کافی باشد و نیازمند توجه به سایر جنبه‌های توسعه من جمله توسعه حقوقی می‌باشد. به همین دلیل امروزه توسعه مفهومی چند بعدی و فرایندی پیچیده تلقی می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت اهمیت توسعه حقوقی بدان حد است که می‌توان ادعا کرد توسعه حقوقی نقشه راه توسعه ملی است (۲).

از آنجا که امروزه عمده مباحث توسعه حقوقی در حوزه جامعه شناسی حقوق مطرح می‌شود (۳) و نسبت حقوق و جامعه از مهمترین عوامل مطرح در جامعه شناسی حقوقی است بنابراین حقوق پزشکی نیز به عنوان بخشی از حقوق عمومی ساختاری تعیین‌کننده در پیکره عمومی جامعه آرمانی یا متعادل دارد (۴). به عبارتی حقوق پزشکی به عنوان دانشی میان رشته‌ای مجموعه‌ای از قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای پزشکی است که اجرای آن توسط محاکم تنظیم می‌گردد (۵).

فرضیه‌ها در این پژوهش براساس پاسخ به پرسش‌های اساسی زیر شکل می‌گیرد. نخست اینکه منظور از توسعه ی‌حقوق پزشکی چیست؟ مولفه‌ها و پیامدهای این توسعه کدام است؟ حقوق پزشکی در نظام حقوقی ایران از منظر توسعه حقوقی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ امروزه توسعه‌ی حقوق پزشکی از اقتضائات حقوق مدرن و از لوازم دستیابی به حد مطلوب توسعه نظام حقوقی کشور به حساب می‌آید. در توسعه حقوق پزشکی سه عنصر ساختاری، ماهوی و ارزشی نقش آفرینی می‌نمایند که توسعه نظام حقوق پزشکی از ارتباط سه عنصر یاد شده با یکدیگر حاصل می‌شود. با توجه به اینکه نسبت حقوق پزشکی و جامعه از مهمترین عوامل مطرح در جامعه شناسی حقوق پزشکی است در ادامه به نقش هر یک از این عناصر در توسعه نظام حقوقی پزشکی پرداخته خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله بر اصول اخلاقی و امانتداری و صداقت استوار است.

روش کار

نوشتار حاضر، با استفاده از روش کتابخانه ای و بهره گیری از کتب و مقالات علمی معتبر جهت ارائه طریق و حرکت به سوی نظام مطلوب اهدای عضو به رشته تحریر درآمده است.

یافته‌ها

یافته های این پژوهش نشان می دهد که در توسعه حقوق پزشکی سه عنصر ساختاری، ماهوی و ارزشی نقش آفرینی می نمایند که توسعه نظام حقوق پزشکی از ارتباط سه عنصر یاد شده با یکدیگر حاصل می شود.

بحث

مفهوم مولفه ساختاری و نقش آن در توسعه حقوق پزشکی

منظور از ویژگی‌های ساختاری شامل تقویت و توسعه ساختارهای مربوط به مراجع دادرسی پزشکی در قلمرو جغرافیایی و تخصصی شدن محاکم در رسیدگی به دعاوی پزشکی می‌باشد. به عبارتی مولفه ساختاری عبارت است از توسعه ساختار و تشکیلات محاکم پزشکی به عنوان بخش از تشکیلات قضایی و اداری از حیث گستره جغرافیایی و تخصصی بودن این نوع از محاکم. حال سوال این است که آیا تشکیلات فعلی محاکم پزشکی از منظر توزیع در قلمرو جغرافیایی و تخصصی بودن آن توجیه‌پذیر است؟ و این موضوع چه نقشی در توسعه حقوق پزشکی دارد؟

دسترسی به عدالت اقتضا می‌کند که نظام حقوق پزشکی ما متناسب با تحولات و در راستای کارآمدی و اثربخشی سیر تکاملی را طی کند و با فراهم کردن بسترها و زمینه‌های ساختاری (در سه سطح و شبیه ساختار نظام عدالت مدنی یا کیفری) به دعاوی پزشکی رسیدگی نماید. این حق امروزه تنها شامل حق شنیدن ماهیت ادعا نیست و حق شنیدن اموری غیر از ماهیت دعوا را نیز در بر می‌گیرد مانند صلاحیت و اقدامات تأمینی و موقتی (۶).

مراجع صالح در ارتباط با رسیدگی به جرایم و تخلفات پزشکی از ناحیه اعضای جامعه پزشکی عبارتند از محاکم عمومی (دادسرا، محاکم کیفری)، دادگاه انقلاب، تعزیرات حکومتی و هیات‌های انتظامی پزشکی. در ارتباط با محاکم می‌توان گفت هماکنون دسترسی مردم به محاکم قضایی در وضعیت نسبتا مطلوبی قرار داشته و در اغلب بخش‌ها و شهرها دسترسی مردم به محاکم قضایی جهت دادخواهی و طرح دعوا و شکایت میسر است. همچنین در این راستا می‌توان به اجرای موفق سیستم درگاه خدمات الکترونیکی قضایی و تسهیل بیشتر دسترسی شهروندان از طریق این شبکه به خدمات نظام قضایی اشاره نمود.

اما در ارتباط با تخلفاتی که از ناحیه جامعه پزشکی ارتکاب می‌یابد ماده ۲۸ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی، اختصاصا هیأت‌های بدوی، تجدید نظر و عالی انتظامی نظام پزشکی را مسوول رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکی قرار داده است. با مطالعه قانون سازمان نظام پزشکی و آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات حرف پزشکی و بررسی آرای صادره از هیأت‌های انتظامی، آنچه مد نظر بوده، مطلق اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌باشد که این اشخاص در ماده ۳۰ قانون سازمان مزبور در ۶ بند مورد اشاره قرارگرفته است (۷).

به همین منظور لازم است شعبی از هیات‌های بدوی انتظامی پزشکی در شهرها به عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری و شعب تجدید نظر در مراکز استان و هیات عالی انتظامی در تهران تأسیس گردد. هر چند بر اساس ماده ۴۰ قانون سازمان نظام پزشکی رسیدگی‌های فرجامی به دادگاه تجدید نظر استان واگذار گردیده واز طرفی به استناد ماده۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، با توجه به اینکه سازمان نظام پزشکی دارای شخصیت حقوقی موضوع حقوق خصوصی است و صلاحیت دیوان عدالت اداری منحصر به رسیدگی به شکایت و تظلم خواهی از تصمیمات واحدهای دولتی است لیکن به نظر می رسد بر اساس اصول حقوق اداری این نظارت عالیه می‌بایستی به دیوان عدالت اداری به عنوان دادگاه عالی اداری که نظارت فرجامی و بعضا، ماهوی بر محاکم اختصاصی اداری من جمله هیات‌های انتظامی پزشکی دارد واگذار گردد (۸).

ایجاد شعبات شهرستانی، استانی و عالی انتظامی پزشکی به موجب ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی و به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته می‌باشد تا حداقل مشکل دسترسی فیزیکی و مکانی به دادگستری برطرف شود.

بنابراین ضروری است ساز وکاری طراحی شود تا دسترسی به مراجع مزبور به بهترین نحو ممکن صورت گیرد و برای شهروندان در مقایسه با مراجع عمومی سهل الوصول‌تر باشند.

هر چه دسترسی افراد از لحاظ مکانی به محاکم انتظامی پزشکی سهل‌تر باشد و این محاکم در دسترس همه اشخاص باشد بطوریکه هر کسی بتواند در بخش و یا شهر کوچک خود به دادگاه‌های انتظامی پزشکی دسترسی داشته باشد نظام عدالت اداری در بخش نظام پزشکی و سلامت به اهداف خود نزدیک‌تر و توسعه این ساختارها به تقویت و توسعه حقوق پزشکی کمک شایانی می‌نماید.

از طرف دیگر آنچه محرز و مسلم می‌باشد این است که همواره در رسیدگی به دعاوی پزشکی چنانچه به این دعاوی و اختلافات شعب و دادگاه‌های تخصصی رسیدگی نمایند این رسیدگی دقیق‌تر و عادلانه‌تر و کارآمدتر می‌باشد چرا که قضات این دادگاه‌ها از لحاظ تجربه، آموزش و تخصص از توانایی علمی و تجربی بالایی برای تحلیل موضوعات و صدور آرا تخصصی برخوردارند. بنابراین وجود شعب یا دادگاه‌های تخصصی در موضوعات پزشکی در نظام قضایی می‌تواند منجر به صدور آرای مستند، دقیق و مستدل گردد. در حقیقت محاکم تخصصی پزشکی با شناسایی و کشف اصول حقوق پزشکی و عرف‌های پزشکی آنان را در قالب آرای قضایی تکرار و لزوم رعایت آنان را بر جامعه پزشکی گوشزد می‌نمایند. این آرای تخصصی قضایی که پس از سال ها تکرار به صورت رویه قضایی درآمده‌اند، رعایت آنها در هنگام اتخاذ تصمیم برای کلیه اعضای جامعه پزشکی ضروری است.

مولفه ماهوی توسعه حقوق پزشکی

منظور از مولفه‌ی ماهوی توسعه حقوق پزشکی، توسعه و بسط مواد اصلی تشکیل دهنده حقوق پزشکی مثل قوانین، آیین نامه‌ها و رویه قضایی می‌باشد. امروزه نیاز حقوق پزشکی به داشتن قانون جامع پزشکی و آیین دادرسی مستقل پزشکی بیش از گذشته احساس می‌گردد.

از جنبه ماهوی، توسعه حقوق پزشکی عملی است که قواعد جدید را بر مبنای حقوق موجود تایید می‌کند و یا تخصیص می‌دهد. اصطلاح «توسعه حقوق پزشکی» به معنی تهیه و آماده‌سازی لایحه یا طرح‌هایی در زمینه موضوعاتی است که هنوز در حقوق پزشکی قاعده‌مند نشده‌اند و یا در آن موارد حقوق پزشکی هنوز به حد کافی در رویه توسعه نیافته است و اصطلاح تدوین نیز به معنی قاعده‌مند کردن صحیح و منظم قواعد عرفی در زمینه‌هایی است که قبلا یک رویه ساده بوده است.

با این توضیح که امروزه حقوق پزشکی زاییده گسترش و توسعه علم پزشکی و فناوری‌های نوین و دگرگونی رابطه پزشک با بیمار است و متناسب با تحولات و در راستای کارآمدی و اثر بخشی قواعد و مقررات ویژه‌ای را می‌طلبد. از طرفی در کشور ما قوانین موضوعه در حوزه حقوق پزشکی به دلیل گسترده و متنوع بودن مشاغل و اعمال پزشکی، به تنهایی قادر به مطابقت سریع خود با تحولات پزشکی و رشد فناوری و تکنولوژی‌های نوین نبوده و نظام حقوق پزشکی نیازمند مداخله عوامل دیگری برای ایجاد این هماهنگی می‌باشد. از میان منابع حقوقی، رویه قضایی به جهت ارتباط مستقیم آن با واقعیت‌های موجود و سهولت ارتباطش با تحولات علم پزشکی می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید، بطوریکه رویه قضایی می‌تواند در تکمیل قوانین و ایجاد قواعد حقوق پزشکی نقش مهمی را ایفا نماید مضافا اینکه رویه قضایی می‌تواند علاوه بر تکمیل قانون به تکمیل و تحکیم برخی از اصول حقوق پزشکی و اثر گذاری بر تصویب قوانین و مقررات در زمینه پزشکی کمک شایانی نماید که در نهایت با امعان نظر به موارد فوق تقویت رویه قضایی در کنار سایر منابع حقوق پزشکی می‌تواند در تحول و توسعه حقوق پزشکی نقش آفرینی نماید.

از طرفی حقوق پزشکی در کشور ما، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، به صورت قوانین، مصوبه‌های هیات وزیران، مصوبه شورای عالی سازمان نظام پزشکی و آیین نامه‌ها و نیز بعضا به صورت عرف و رویه‌ی پزشکی است که به دلیل تحولات و تغییرات زیادی در قوانین و مقررات کشور، در چند دهه اخیر، همراه با پراکندگی و تناقضات موجود در آنها، باعث دشواری‌هایی در نظام حقوقی پزشکی کشور گردیده است که قانون واحد مدون پزشکی در تسهیل امور و موضوعات پزشکی نقش به سزایی دارد، ولی تنوع دوایر و کثرت مسایل و موضوعات پزشکی به خصوص با تغییرات و تحولاتی که هر روز در عرصه پزشکی و سلامت حادث می‌گردد، چنین فرصت و مجالی را نداده است. هر چند امید است که در آینده تدبیری اتخاذ گردد که منجر به تدوین اصول و قواعد کلی به نام «حقوق و قانون پزشکی» گردد. قریب به ۹۰ سال است در حوزه‌های حقوق مدنی و حقوق تجارت قوانین مدون جامع (مادر) وجود دارد. این قبیل قوانین جامع و مانع که سرآمد آنها، قانون مدنی است، به سبب آنکه اصول و قواعد فقهی و حقوقی را در موضوعات مربوطه تبیین می‌کنند، کمک بسیار زیادی به کارآمدی دادگستری، پیشرفت حقوقی جامعه و تسهیل امور مردم می‌نمایند زیرا دیگر اساتید حقوق، وکلا و قضات مجبور نیستند برای اثبات اصل، قاعده یا ضروری یا عادلانه بودن نظریه‌ای ساعت‌ها مباحثه یا ده‌ها صفحه استدلال و استنتاج کنند. مثلا ماده ۱۰ قانون مدنی حکمی صریح صادر کرده که قرارداد خصوصی معتبر و لازم الاجراست، اما در حقوق پزشکی قانون جامع ماهوی نداریم و در بسیاری از پرونده‌ها و دعاوی با عدم، نقص یا اجمال قوانین مواجه می‌باشیم. به همین لحاظ در مجامع حقوقی و مراجع قضایی مجبوریم برای تبیین اصول و قواعد مهمی که یا به صورتی مبهم و پراکنده در برخی از قوانین آمده‌اند یا اصلا در هیچ قانونی نیامده، ساعت‌ها بحث شود. اصولی مانند جبران خسارت، تناسب تخلف و مجازات انتظامی پزشکی و ضرورت رعایت موازین رسیدگی منصفانه در هیات‌های انتظامی پزشکی و... با وجود تمام اینها برخی قضات به اجرای نص قوانین معتقدند و با تفاسیر موسع یا شاذ به نفع یکی از متداعیین مخالفند. بنابراین تدوین قانون جامع حقوق پزشکی ضروری است؛ قانونی که اصول و قواعد حقوق پزشکی را به صراحت بیان نماید و به مناقشات بی‌پایان نظری که آثار زیانبار عملی دارد، پایان دهد. تدوین قانون جامع بسیار موثر و مفید خواهد بود و تحول بزرگی در رعایت حقوق شهروندی شهروندان ایجاد خواهد کرد، که لازم است زمینه‌های شکل‌گیری آن در دانشکده‌های حقوق توسط اساتید حقوق پزشکی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. رسیدن به یک قانون جامع نیازمند نیل به عزمی جدی برای اصلاح نظام حقوق پزشکی است.

هر چند در این راستا نباید تاثیر آموزش را نادیده گرفت زیرا یافته‌های علمی حاکی از آن است که مسیر تغییرات پایدار اجتماعی از مسیر«آموزش» نیروی انسانی است، چنان که کشورهای توسعه یافته نیز «آموزش» را مهمترین اقدام ملی در مسیر توسعه یافتگی قلمداد کرده‌اند (۹).

عدم جامعیت، فقدان انسجام و پراکندگی در اصول و قواعد کلی حقوق پزشکی در ایران قطعا یکی از موانع توسعه حق بر اداره مطلوب می‌باشد. در هر حال می‌توان ادعا نمود که هر چند بسیاری از مؤلفه‌های حق اداره مطلوب در نظام حقوقی ایران ولو به صورت ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است و اکثر این مؤلفه‌ها در رویه قضایی خصوصا رویه قضایی دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد ناظر قضایی محاکم اداری نیز تصریح شده، با این وجود، هنوز بسیاری از مؤلفه‌ها در مجموعه قوانین و نیز در رویه قضایی مورد شناسایی واقع نشده و همین مسأله خلأ و کاستی در تحقق حق بر اداره مطلوب را نمایان و گوشزد می‌نماید.

از طرفی واقعیت موجود این است که قواعد موضوعه تنها منعکس‌کننده بخشی از واقعیت‌های حقوقی بوده و مقنن قادر به پیش‌بینی تمام مسایل و روابط میان افراد و در نتیجه قواعد حاکم بر آنها نیست. به عبارتی قانون به تنهایی قادر به مطابقت سریع خود با تحولات جامعه نبوده و نظام حقوقی نیازمند مداخله عوامل دیگری برای ایجاد این هماهنگی می‌باشد. از میان منابع حقوقی، رویه قضایی به عنوان عامل مهم تکمیل قوانین و تحول حقوق به جهت ارتباط مستقیم آن با واقعیت‌های جامعه و سهولت ارتباطش با تحولات اجتماعی می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید، بطوریکه رویه قضایی می‌تواند با تصمیمات مکرر قضایی خود با الزام معنوی و قانونی برای محاکم قضایی در تکمیل قوانین و ایجاد قواعد حقوقی نقش مهمی را ایفا نماید (۱۰)، بطوریکه می‌توان گفت که نیاز حقوق پزشکی به رویه قضایی از سایر حوزه‌های حقوق بیشتر احساس گردد زیرا این حقوق نوپا و جوان است و فاقد سابقه تاریخی در زمینه تقنینی می‌باشد و بعضا قوانین خود را از سایر رشته‌ها به مانند حقوق مدنی و جزا به عاریت گرفته است.

از طرف دیگر حقوق پزشکی دارای قواعد پراکنده‌ای بوده و در قالب قانونی واحد و مدون در نیامده است به عبارتی مقررات پزشکی به دلیل تنوع فعالیت‌های حوزه سلامت، کثرت سازمان‌های مربوط به آن و رشد فناوری‌ها به طور دایم در حال تغییر و تحول‌اند، بدین جهت امکان تدوین قواعد و مقررات پزشکی، به شکل قانون واحد و مدون یعنی مجموعه قوانین همچون قوانین مدنی، تجارت و جزا وجود ندارد. بنابراین رویه قضایی به جهت ویژگی‌های گفته شده می‌تواند نقش مهمی در توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید. هر چند در ایران رویه قضایی همواره به عنوان منبع اصلی و قاعده ساز چندان مورد توجه نبوده و هموار به عنوان منبع فرعی و تفسیری قانون مورد توجه بوده است.

از جمله مهمترین کارکردهای رویه قضایی حاصل از دادرسی

پزشکی می‌توان به تحکیم اصول حقوق پزشکی، اعتلای مفاهیم حقوق پزشکی و سلامت، تحول و توسعه حقوق پزشکی از طریق دفاع از حقوق شهروندان، کنترل خود سری‌های جامعه پزشکی در حوزه صلاحیت‌های اختیاری، ابزار مکمل حقوق و کمک به تفسیر قانون توسط قضات محاکم اعم از از قضایی و اداری و ابزاری جهت ارزیابی حقوق موضوعه اشاره نمود.

به عنوان مثال تا به امروز رویه‌ای در ارتباط با مقوله اهدای عضو از دیوان عالی کشور اصدار نگردیده و صرفا اداره حقوقی دادگستری به چند نظریه مشورتی من جمله نظریه شماره ۳۳۸ – ۲۱/۴/۹۴ درخصوص تاریخ فوت فرد مبتلا به مرگ مغزی اکتفا نموده که این موضوع بیانگر لزوم تحرک نظام قضایی به منظور قاعده‌سازی قضایی از طریق صدور رای وحدت رویه و همچنین ایجاد رویه قضایی در محاکم دارد (۱۱). بنابراین در فضای امروزه حقوق پزشکی و با توجه به عدم تدوین قوانین و مقررات جامع و کامل، بهره برداری از رویه قضایی به عنوان منبعی قاعده ساز و گاه برابر با قوانین موضوعه، از اهمیتی دو چندان برای محاکم در کنترل فرایند تصمیمات و اعمال پزشکی برخوردار است، بطوریکه مراجعه به رویه قضایی دادگاه‌های اداری و قضایی خصوصا در رأس آن‌ها یعنی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری می‌تواند به عنوان اصول راهنمای قضات، جامعه پزشکی و شهروندان قرار گیرد.

بعد ارزشی توسعه حقوق پزشکی

اما مقصود از مولفه‌های ارزشی، همان تقویت اصول حقوقی است. «اصول حقوقی احکامی کلی، دائمی و الزامی‌اند که مبنای حقوق موضوعه قرار گرفته و نقش هدایت گرانه‌ای در قانونگذاری و دادرسی دارد» (۱۲).

ارزش‌های حقوق پزشکی مجموعه‌ای از اصول حقوقی مشتمل بر مفاهیم کلی، دائمی و انتزاعی هستند که نماینده ارزش‌های حاکم بر نظام حقوقی قلمداد شده و جایگاه نظام حقوق پزشکی را در جامعه مشخص می‌کند چرا که اصول حقوقی مفاهیمی ارزشی بوده و با خود ارزش و بایدهای اخلاقی به همراه دارند زیرا خاستگاه اصول حقوق پزشکی، ارزش‌های پذیرفته شده جامعه است و هدف نهایی این اصول، تعالی نظام حقوقی به سمت و سوی عدالت است.

اصول حقوقی به دلیل اینکه از حقوق اساسی اشخاص حمایت می‌کند و قلمرو حقوق لازم الرعایه آنها را تعیین می‌کند همیشه متضمن احکام ماهوی‌اند (۱۳).

با این توضیح که اصول حقوقی پایه‌های ساختارهای حقوق پزشکی را تشکیل می‌دهد. وجود آنها موجب ارتقا و توسعه ی‌نظام حقوق پزشکی و فقدان آنها موجب آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی است. امروزه تحولات حقوق پزشکی باعث پدیداری مفاهیم نو شده است. در دهه‌های اخیر، حقوق پزشکی به دنبال پایه‌ریزی و جستجوی روش‌ها و ابزارهایی است که در صدد توجه به ضرورت‌های نظام پزشکی و پایه گذاری یک نظام کارآمد باشد. در این راستا بسیاری از کشورها، قانونی مشتمل بر اصول و ارزش‌های پزشکی تصویب کرده‌اند که در جهت ایجاد نظام پزشکی صحیح بسیار کارآمد می‌باشد. بنابراین اصول حقوقی معرف اقتباس گونه‌ای از رفتارهای الزامی می‌باشند که به تدریج موجب تعالی وضعیت‌های حقوقی می‌شوند؛ لذا محتوای ارزش شناختی دارند و به موازات ارزش به کار می‌روند.

به نظر می‌رسد اصول حقوق پزشکی مکمل حقوق پزشکی از طریق رفع کاستی‌های نظام حقوق پزشکی است. در سیستم حقوقی فرانسه، قاضی اداری از درون اداره به توسعه هنجارها و اصول آن کمک می‌کند (۱۴)، به طوری که در این کشور، اصول حقوق اداری به شدت گسترش پیدا کرده و در خیلی از حوزه‌های حقوق از جمله قوانین و مقررات، آیین نامه‌ها، تصویب نامه‌ها و رویه قضایی تأثیرخود را گذاشته یا متأثر از آنها شده است.

از طرفی در توسعه حقوق پزشکی نمی‌توان از نقش رویه قضایی دیوان عدالت اداری به عنوان دادگاه عالی اداری بی‌توجه بود. در این میان اصول حقوق اداری بیشترین کاربرد را در دیوان عدالت اداری به عنوان مهمترین دادگاه اداری در جهت صیانت از حقوق شهروندی و حاکمیت دارد به طوری که رویه قضایی دیوان عدالت اداری خاصه رویه قضایی هیأت عمومی دیوان نقش مهمی در تقویت و اعتلای مفاهیم، بنیان‌ها و اصول حقوق عمومی و اداری داشته است. بدون تردید استفاده از اصول و مفاهیم حقوق اداری در آرای وحدت رویه و رفع نارسایی و تحکیم آن‌ها از این طریق بهترین راه برای ارتقاء کیفیت استدلال آرای وحدت رویه و ایجاد رویه خواهد بود و آرای وحدت رویه قضایی که از اصول بنیادین حقوق اداری بهره‌گیری نمودند یقیناً در پذیرش معنوی محاکم و اقناع آنان موثر خواهد افتاد. هرچند هیات عمومی دیوان در راستای صلاحیت‌های قضایی به اصول کلی و سنتی اکتفا نموده و کمتر به اصول مدرن حقوق اداری آنچنان که از این مرجع انتظار می‌رود استناد نموده است و عدم استناد دیوان به این اصول را از نقاط ضعف می‌توان ارزیابی کرد لیکن می‌توان گفت به همت دکترین و پژوهشگران حقوق اداری و تغییر رویکرد دیوان در جذب آموزش قضات با تخصص حقوق عمومی ردپای استناد به اصول نوین حقوق اداری در آرای صادره از شعب و هیات عمومی دیوان نیز قابل مشاهده است به طوری که گاه دیوان با استناد به برخی از این اصول توانسته منشأ صدور آرایی باشد که پیش از این سابقه نداشته است (۱۵).

عدم تدوین مقررات جامع و کامل در فضای حقوق پزشکی است که سبب استفاده از اصول کلی حقوق پزشکی به خودی خود و بی‌نیاز از استدلال برای محاکم پزشکی در نظارت بر اعمال و تصمیمات جامعه پزشکی خواهد شد.

فلسفه اتکای قضات به اصول در واقع استخراج حکم هر قضیه و رفع کاستی‌های قواعد حقوقی است (۱۶). همچنین استناد قضات به اصول حقوقی موجب پویایی و پیشرفت نظام حقوقی شده و به انسجام نظام حقوقی کمک می‌نماید (۱۷) و از این طریق مانع از وضع قواعد جدید و پراکندگی بسیار آنها می‌شود.

استناد قضات به یک اصل در رویه قضایی، حسب مورد می‌تواند آن را به صورت یک هنجار حقوقی الزام‌آور در نظام حقوقی مبدل سازد (۱۸). بنابراین توسعه و تقویت اصول حقوق اداری به مثابه نماینده ارزش‌های حاکم بر نظام حقوقی می‌تواند ضمن حداکثری نمودن عدالت اداری در ایجاد نظم حقوق اداری و تضمین انسجام ساختاری حقوق اداری و جلوگیری از تشت و آشفتگی تئوریک حقوق اداری در برخی از حوزه‌ها (۱۹)، نقش اساسی را در توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید.

در مجموع اصول حقوق اداری یکی از کارآمدترین، موثرترین و مهمترین معیارهای موجود در حوزه حقوق اداری است. به نظر می‌رسد این اصول هنجارهای بنیادی محسوب می‌شوند که محصول قضات در رویه قضایی هستند. به عبارت دقیق‌تر اصول کلی حقوقی توسط دادگاه‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند و قضات از این طریق خلأهای قانونی را پر می‌کند این اصول می‌توانند راه حل مطلوب و مناسبی را ارائه کنند. این اصول به مثابه ایده آل‌هایی برای حکمرانی خوب محسوب می‌شوند (۲۰). از مهمترین اصول حقوق پزشکی می‌توان به اصل الزام به جبران خسارت ناشی از قصور پزشکی، اصل آزادی و رضایت آگاهانه در انتخاب پزشک، نوع درمان و آگاهی از خطرات احتمالی اعمال پزشکی، اصل حفظ اسرار پزشکی، اصل عدم تبعیض در درمان بیماران و اصل احترام به حریم خصوصی بیمار اشاره نمود.

برآمد

با توجه به مطالب پیش گفته در مجموع می‌توان گفت توسعه حقوق پزشکی در ایران مستلزم یک پویش اصلاح طلبانه است. منظور از توسعه حقوق پزشکی در این پژوهش؛ تقویت و توسعه ساختارهای مربوط به مراجع دادرسی پزشکی در قلمرو جغرافیایی و تخصصی نمودن محاکم پزشکی، بسط مولفه‌های ماهوی از حیث تقویت رویه قضایی و توسعه بعد ارزشی حقوق پزشکی از جهت تحکیم اصول حقوق پزشکی می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد در جهت تقویت و توسعه حقوق پزشکی؛ اولا بعد ساختاری توسعه حقوق پزشکی از حیث سازمانی مستلزم گسترش شعب بدوی، تجدید نظر و عالی انتظامی بسان سلسله مراتب جاری در محاکم دادگستری در سطح کشور می‌باشد. همچنین در جهت ایجاد غنای رویه قضایی پیشنهاد می‌گردد رسیدگی به دعاوی پزشکی به صورت تخصصی و ویژه توسط قضات آشنا به مقتضیات پزشکی صورت پذیرد. ثانیا در تقویت بعد ماهوی توسعه حقوق اداری با توجه به اینکه نظام حقوق پزشکی در حوزه تقنینی از یک نوع تشتت و پراکندگی و بعضا مبهم و نـاقص بـودن رنـج مـی بـرد و مطلوب در کشور ما مستلزم تصویب قانون جامع و منسجمی است که تمام مراحل حقوقی حاکم بر تصمیمات پزشکی و فرآیند رسیدگی‌های مراجع پزشکی و قضایی در آن تدوین گردد.

از طرفی امروزه در دادرسی‌های پزشکی صرفا تکیه بر قوانین موضوعه و اصل حاکمیت قانون چندان راهگشا نیست و اصولا فرض بر این است که معیارهای سنجش این قسم از صلاحیت‌های در قوانین پیش‌بینی نمی‌شود و بدین ترتیب همه معیارهای لازم را نمی‌توان در متن قوانین موضوعه یافت خصوصا اینکه استفاده از معیار «رویه قضایی» در دادرسی‌های پزشکی می‌تواند خلاء ناشی فقدان منابع در بیان و تولید رویه قضایی حاوی اصول کلی حقوق پزشکی و عرف پزشکی بسیار مهم و حیاتی است.

از طرف دیگر حقوق پزشکی دارای قواعد پراکنده‌ای بوده و در قالب قانونی واحد و مدون در نیامده است به عبارتی مقررات پزشکی به دلیل تنوع فعالیت‌های حوزه سلامت، کثرت سازمان‌های مربوط به آن و رشد فناوری‌ها به طور دایم در حال تغییر و تحول‌اند، بدین جهت امکان تدوین قواعد و مقررات پزشکی، به شکل قانون واحد و مدون یعنی مجموعه قوانین همچون قوانین مدنی، تجارت و جزا وجود ندارد. بنابراین رویه قضایی به جهت ویژگی‌های گفته شده می‌تواند نقش مهمی در توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید. هر چند در ایران رویه قضایی همواره به عنوان منبع اصلی و قاعده ساز چندان مورد توجه نبوده و همواره به عنوان منبع فرعی و تفسیری قانون مورد توجه بوده است. حقوق پزشکی پیچیده‌تر از آن است که صرفا با اتکا به یک منبع حقوقی قابل تمشیت باشد. تجربه جهانی از خلال مطالعات تطبیقی نیز موید همین امر است. رابعا در تقویت بعد ارزشی توسعه حقوق پزشکی برای اعتلای مفاهیم و تحکیم اصول حقوق پزشکی، جذب قضات آشنا با حقوق پزشکی در رسیدگی به دعاوی پزشکی و حضور در هیات‌های انتظامی پزشکی به عنوان قاضی هیات ضرورت دارد. خوشبختانه برخی از دانشگاه‌های کشور هماکنون در مقطع کارشناسی ارشد اقدام به جذب دانشجویان حقوق پزشکی از مقطع کارشناسی می‌نمایند و این نقیصه تا حدودی برطرف گردیده لیکن با توجه به اینکه جذب دیگر قضات شاغل با گرایش‌های دیگر حقوق همچنان ادامه دارد و از طرفی دعاوی پزشکی مستلزم قضاتی با تخصص پزشکی و صلاحیت فنی لازم است لذا قضاوت اشخاص فاقد تخصص حقوق پزشکی باعث تضییع حقوق جامعه و افزایش نارضایتی و مجموعا به مخاطره افتادن امنیت قضایی اشخاص در دعاوی پزشکی خواهد شد.

در مجموع هدف نهایی این پژوهش نشان دادن اهمیت جایگاه توسعه در نظام حقوق پزشکی و ضرورت جدی گرفتن آن در نظام حقوقی ایران است. با این حال باید تاکید کرد که توسعه حقوق پزشکی نیازمند آموزش دانشجویان، قضات، وکلا و کلیه حرف حقوقی است. همان طور که در این پژوهش بدان اشاره شده خوشبختانه در این مسیر گام‌هایی ارزنده‌ای برداشته شده است که نیازمند تقویت و تداوم است.

تقدیر و تشکر

نویسندگان از کلیه اشخاصی که در راه گردآوری و تهیه پژوهش حاضر به ما یاری رسانده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

سهم نویسندگان

این مقاله با همکاری مشترک نویسندگان نوشته شده است. صادق تاری وردی نگارش و تالیف مقاله و محمد حسین صادقی؛ مشاوره و نظارت بر تدوین مقاله را بر عهده داشته‌اند.

تضاد منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافعی است.

منابع

1. Rezayi nejad, I. Thinking about the Concept of Right to Development. Journal of Law and Politics. 2009; 4(issue 10): 13-34. (Persian)

2. Nabavi S, Mortazavian S. Legal Development, Iran's National Development, and Rule of Law Challenges. Public Law Studies Quarterly. 2019; 49(4): 1267-1287. (Persian)

3. Sharifi S. The concept of legal development. Master Thesis in Public Law. Shahid Beheshti University of Tehran; 2011. (Persian)

4. Javid M J, Sanjari Moghaddam F. Plato in Farabi's Office: Search for the Roots of Medical Law in Two Ideal Societies. MLJ. 2020; 14 (53): 7-31 . (Persian)

5. Abbasi Mahmoud, Medical Criminal Law. Tehran: Legal Publications, Sinai Medical Law Institute; 2010 (Persian)

6. Halpérin, Jean-Louis et Marie-Laure Niboyet. Agir en justice: la distinction de la substance et de la procédure, in: Loïc Cadiet, Serge Dauchy et Jean-Louis Halpérin (Sous la direction), Itinéraire d'histoire de la procédure civile. Paris, IRJS. 2014.

7. Tariverdi S, Abbasi M. The principle of fair trial in administrative tribunals and medical disciplinary boards. MLJ. 2009; 3(9): 113-148. (Persian)

8. Tariverdi S. Appealing Outhority to the Supreme Court from Judgments Render by Medical Disciplinary Boards. Journal of Payam AMOOZESH. 2011; 8(45): 35-40. (Persian)

9. Ranjbar M, Hamzehloei H, Taghi Dashti M T. Barriers to the development of public law with emphasis on educational barriers. MLJ. 2021; 15 :381-395. (Persian)

10. fallahzadeh A M, Tariverdi S. The Role of Judicial Procedure Courts in the Development of Iranian Administrative Law. 24 (88); 2020: 58-41. (Persian)

11. Tariverdi S, Sadeghi M H, Abbasi M. The need to monitor the rules and regulations of organ donation in the Iranian legal system. MLJ. 2021; 15 (56) :611-624. (Persian)

12. hayati, A. Concept of "general principles and Generl rules (Comparative study of Iran and France law). Journal of Civil Law Knowledge, 2018; 7(2): 15-26. (Persian)

13. Sadeghi M. Legal principles and its place in the subject law. Mizan Publications; 2011

14. Harlow, carol. Global Administrative Law: The Quest for Principles and Values. The European Journal of International Law. 2006; 17(1): 187- 214.

15. Tariverdi S, Fallahzadeh A M. The Role of the Judicial Procedures of the Administrative Justice Court's General Assembly in the Development of the Administrative Rights' Principles from the Perspective of Human Right. MLJ. 2020; 14 :499-513. (Persian)

16. Craig P. EU Law, Text, Cases and Materials. Oxford: Oxford University Press; 2003

17. Tridimas T. The General Principles of EU Law. Oxford: Oxford University Press; 2006

18. Petoft A, Markaz malmiri, A. Concept and scope of general principles of administrative law. Judiciary Press and Publishing Center; 2018

19 .Hadavand M, Mashhadi A. Principles of Administrative Law in the light of the rulings of the Court of Administrative Justice. Khorsandi Publications; 2011

20. Harlow C. Global Administrative Law: The Quest for Principles and Values. The European Journal of International Law. 2006; 17(1): 187-214.